

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۱۳ آبان ماه ۱۳۱۰ * (۲۳ جادی الاخری ۱۳۰۰)

فهرست مذاکرات

- (۱) تصویب صورت مجلس
- (۲) تصویب چند فقره مرخصی
- (۳) شور اول لایحه اصلاح قانون سجل احوال
- (۴) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس يك ساعت قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

صورت مجلس روز یکشنبه نهم آبان ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند **

[۱ - تصویب صورت مجلس]
 رئیس - آقای دیبا
 دیبا - قبل از دستور
 رئیس - آقای دکتر ملک زاده
 دکتر ملک زاده - قبل از دستور
 رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؛ (گفته شد - خیر)
 صورت مجلس تصویب شد.
 [۲ - تصویب چند فقره مرخصی]
 رئیس - در موقعی که مرخصی های جلسه قبل را میخوانند آگاهی دادم که این مرخصی ها مربوط بگذشته است که جمع شده و یک باره قرائت می شود: اینک بقیه آن مرخصی ها است و مجموعاً مربوط بگذشته است و نسبت با کثرت کنونی تأثیری ندارد (صحیح است)
 خبر کمیسیون راجع بمرخصی آقای عراقی: نماینده محترم آقای عراقی بواسطه کسالت تقاضای ۵۵ روز مرخصی از تاریخ اول شهریور ۱۳۱۰ با تخصیص یک عشر از مقرری اینمدت بمصرف مرخصخانه

** عین مذاکرات مشروح پنجاه و سومین جلسه از دوره هشتم تقنینیه . (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)
 دایرة تند نویسی و تحریر صورت مجلس

غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده: غائبین با اجازه - آقایان: ملک مدنی - تیمور ناس - حاج میرزا حسینخان فاطمی - میرزا سید مهدیخان فاطمی - آشتیانی - مجد ضیائی - اسدی - عدل - دکتر سنک - فرج الله خان آصف - احتشام زاده - دبیر سهرابی - عبدالحمید خان دیبا - محمد تقی خان اسعد - ملک آرائی - سید کاظم یزدی .
 غائبین بی اجازه - آقایان: حاج میرزا حبیب الله امین - دکتر طاهری - اعظم زنگنه - رهبری - زنجانی - منتصم سنک - طباطبائی بروجردی - آقا رضا مهدوی - افسر - حاج غلامحسین ملک .
 دیر آمدگان با اجازه - آقایان: دکتر امیر اعلم - لیقوانی - بیات - مسعود تاشی .
 دیر آمدگان بی اجازه - آقایان: طهرانچی - شریعت زاده - محمد ناصر خان شفقانی .

حضرت عبدالعظیم (ع) نموده‌اند. کمیسیون با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آن را تقدیم می‌دارد.

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشامزاده - بنده مخالفتم با مرخصی آقای عراقی ندارم ولی در خصوص وجوهی که همیشه در موقع تصویب مرخصیها برای ساختمان مریضخانه حضرت عبدالعظیم (ع) تخصیص داده میشود میخواستم سؤال کنم که بچه وسیله استطلاع بکنم که این وجوه تا بحال چه قدر جمع شده است و بچه وسیله و بچه نظارتی این پولها صرف مریضخانه حضرت عبد العظیم (ع) میشود؟ البته اقدام خیری که از طرف نماینده محترم دوره گذشته آقای فیروز آبادی شد خیلی اسباب تقدیر و تشکر است و بدهم کمک و مساعدتی که آقایان نمایندگان محترم در اینخصوص کردند آنها قابل تقدیر است ولی بنده میخواستم بیشتر مطمئن شوم که این وجوه بچه وسیله و توسط چه اشخاص صرف ساختمان این مریضخانه می‌شود که این مساعدت و کمکی که از طرف آقایان نمایندگان شده است بموقع بوده و در جای خودش خرج شده باشد.

رئیس - آقای آگاهی میدهم این پولهایی که بمریضخانه حضرت عبدالعظیم (ع) اختصاص پیدا میکند غالباً بظارت شیر و خورشید سرخ در آنجا مصرف می‌شود بعد بطوریکه خود آقا مستحضرنند آقای فیروز آبادی که مباشر اینکار هستند يك ميل و رغبت زیادی بانجام این امر خیر بخصوص دارند و حسن مصرف وجه آنرا مراقبت دارند حقوق خدمت سابقه خودشان را هم به اینکار تخصیص داده‌اند و گمان می‌رود که در خوب مصرف شدن آن نگرانی نباشد (صحیح است) آقایانی که با مرخصی آقای عراقی موافقت دارند قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. خبر کمیسیون عریض و مرخصی راجع به مرخصی آقای معتمد سنگ قرائت می‌شود:

خبر مرخصی آقای معتمد سنگ:

نماینده محترم آقای معتمد سنگ برای رسیدگی بامور محلی تقاضای دومه مرخصی از تاریخ چهاردهم مهرماه

رئیس - موافقین با مرخصی آقای طاهری قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد.

[۳- شور اول لایحه اصلاح قانون سجل احوال]

رئیس - خبر کمیسیون داخله راجع باصلاح موادی از قانون سجل احوال در ضمن ماده واحده قرائت میشود:

خبر کمیسیون

لایحه نمره ۱۸۶۸۹ دولت راجع باصلاح قانون سجل احوال باحضور آقای وزیر داخله و آقای بهرامی رئیس اداره سجل احوال مطرح و بااصلاحاتی تصویب و اینک خبر آنرا بشرح ذیل تقدیم می‌دارد:

ماده واحده - مواد ۷ و ۸ و ۹ قانون سجل احوال مصوب ۲۰ مرداد ماه ۱۳۰۷ نسخ و بجای آنها مواد ذیل تصویب می‌شود.

ماده ۷ - پس از انقضاء یکسال از تاریخ اجراء مقررات راجعه بسجل احوال در هر حوزه کسانیکه ورقه یا کتابچه هویت نداشته باشند یا تکالیفی را که برطبق مواد ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ بهمه آنها قرار گرفته انجام ندهند علاوه بر اینکه بموجب حکم محکمه محکوم بانجام تکالیف مزبوره می‌شوند بجهت تأدیبی قابل ایتناع نیز از هشت روز تا دو ماه از قرار روزی از پنج تا پنجاه قران محکوم خواهند گردید و در صورتی که خود آنها تاده روز بعد از ابلاغ حکم قطعی تکلیف خود را راجع باسناد سجلی و یانیت واقعه انجام ندهند مأمورین نظمی در شهرها و مأمورین امنیه در قصبات و قراء آنها را برای انجام تکلیف نزد مأمورین سجل احوال محل حاضر خواهند نمود.

اشخاصی که قبل از اجراء این قانون تکلیف مزبوره را انجام نداده و هنوز نسبت به آنها حکم قطعی نیز صادر نشده باشد در صورتیکه تا دو ماه از تاریخ اجراء این قانون بتکالیف قانونی خود عمل کنند از تعقیب آنها صرف نظر می‌شود و الا مشمول مقررات این ماده خواهند بود.

ماده ۸ - هرگاه اختلافی راجع باسناد سجل احوال ایجاد شود رسیدگی آن در محکمه ابتدائی و در صورت نبودن آن در نزدیکترین محکمه صلح بعمل می‌آید و نا موقعی که از طرف محکمه مزبور اسناد مذکور بمرجوب

حکمی ابطال نشود آن اسناد باعتبار خود باقی خواهند بود و فقط محاکم مزبور می‌توانند بتصحیح آن اسناد امر صادر کنند در اینصورت مأمور سجل احوال رأی محکمه را در دفتر مخصوصی ضبط و در حاشیه دفتر اصلاح شده قید و برطبق رأی مزبور ورقه جدید صادر می‌نماید.

در ورقه جدید باید این نکته قید شود که بموجب حکم محکمه و برای اصلاح ورقه سابق صادر شده است حکمی که بموجب این ماده صادر می‌شود. غیر قابل استیناف و تمیز بوده و فقط در باره متداعین و قائم مقام قانونی آنها معتبر است.

تبصره ۱ - حکمی که در باب اصلاح ورقه سجل احوال صادر میگردد از حیث مقررات راجع بنظام وظیفه مؤثر نخواهد بود و هرگاه اوراق سجل احوال از حیث مقررات مزبوره مورد اعتراض اداره نظام وظیفه یا اداره سجل احوال گردد بطریقی که بموجب ماده ۹ مقرر است رفتار خواهد شد.

تبصره ۲ - اشتباهاتی را که ممکن است در تنظیم اوراق سجل احوال از طرف اداره مربوطه بعمل آمده باشد می‌توان با موافقت اداره سجل احوال و صاحب ورقه تصحیح نمود لیکن در مقابل اشخاص ثالث معتبر نخواهد بود.

تبصره ۳ - اگر در دعوائی که برای تصحیح اوراق سجل احوال در محکمه اقامه می‌شود اداره سجل احوال مستقیماً سمت مدعی یا مدعی علیه را نداشته باشد محکمه مکلف است بهمان طریقی که برای موارد ابلاغ مقرر است دوسیه را با اداره سجل احوال ذی‌مدخل احاله نموده و عقیده کتبی آن اداره را قبل از صدور حکم تحصیل کند و حکم محکمه پس از ملاحظه عقیده اداره مزبور صادر خواهد شد.

ماده ۹ - نسبت باوراق هویت که از طرف اداره کل نظام وظیفه یا اداره کل احصائیه و سجل احوال در هر حوزه اعم از مرکز و ولایات از حیث مقررات مربوطه بنظام وظیفه مورد اعتراض واقع می‌شود بوسیله هیئتی مرکب از حاکم یا نماینده او و نماینده اداره نظام وظیفه و نماینده احصائیه سجل احوال و يك نفر طبیب

باتنخاب اداره نظام وظیفه و بگنفر معتمد محلی که با تصویب مأمورین مزبور دعوت می شود رسیدگی و راپرت آن بادوسیه مربوطه بطهران ارسال میگردد و بهیئی مرکب از نمایندگان ارشد اداره نظام وظیفه و اداره احصائیه و بگنفر طیب باتنخاب اداره نظام وظیفه و بگنفر طیب باتنخاب ضحیه کل مملکتی و مدعی العموم ابتدائی یا نماینده او مراجعه و مورد دقت واقع گردیده نتیجه با اکثریت آراء معین و ابلاغ و مدلول آن در روی ورقه هویت و در ستون ملاحظات دفاتر مربوطه قید می شود لکن این عمل فقط از نقطه نظر مقررات راجحه بنظام وظیفه مؤثر خواهد بود.

اوراقی که تا اول مهرماه ۱۳۱۰ در محاکم عدلیه و کمیسیونهای تجدید نظر بر طبق مقررات قانون سابق نسبت به آنها رسیدگی بعمل آمده و تکلیف قطعی آن معین شده مشمول مقررات فوق نخواهند بود.

رئیس - آقای دیبا

طباطباتی دیبا - بنده اساساً با این لایحه موافق هستم ولی خواستم تذکر بدهم که این لایحه حقیقتاً مربوط به کمیسیون عدلیه است چون يك موادى دارد که مربوط به محاکمات است و مجازات و قضایات و اینها و این را بنده عقیده دارم که باید به کمیسیون عدلیه مراجعه شود و بعد هم به کمیسیون داخله مراجعه شود با تنظیم لایحه باین ترتیب (و لوایح دیگری که از مدتی باینطرف باین ترتیب تنظیم میشود) بنده مخالف هستم نوشته میشود ماده واحده و بعد در تحت این ماده واحده چندین ماده دیگر مینویسند در صورتیکه بر حسب نظامنامه آنوقت دیگر شور کلی ندارد و ممکن است که شور کلی در تصویب هر لایحه خیلی مفید باشد هم در شور اول هم در شور ثانی با این ترتیب و با این طرز لوایح که از مدتی باینطرف معمول شده است بنده مخالفم مخصوصاً با این قسم که در اینجا نوشته شده است ماده واحده مواد ۷ - ۸ - ۹ - قانون سجل احوال مصوب فلان نسخ و بجای آنها مواد ذیل تصویب این مواد باید نسخ بشود در شور ثانی اول ما این مواد را

احوال صادر میشود از حیث مقررات نظام وظیفه مؤثر نخواهد بود محاکم عمومی را حق دخالت نداده اند از این سراگر خود اداره سجل احوال یا نظام وظیفه ایراد و اعتراضی داشته باشند این جا تکلیفش را معین کرده اند بسیار خوب ولی بالعکس اگر صاحب ورقه خودش اعتراضی داشته باشد بدو بکجا باید ارجاع کنند؟ این قسمت را هم خوب است آقای وزیر داخله توضیح بدهند

وزیر داخله - البته این لایحه که تقدیم شده است اصلاح یا تغییر چند ماده است ولی سایر مواد قانون بجای خودش باقی است در قانونیکه آلا ن در جریان است و دو سه ماده ان تغییر میکند حق اشخاص که اعتراض داشته باشند بورقه پیش بینی شده است (جمشیدی - در کجا؟) مراجعه بفرمائید ماده اش آلا ن در نظرم نیست ولی دارد که در عرض دو ماه اگر اشخاص اعتراض داشته باشند شکایتی داشته باشند اظهار کنند اما راجع باینکه يك قسمت از تحت صلاحیت محاکم خارج شده است البته استحضار دارید که در مورد اوراق هویت که هر چه قانون گذاری میشود و هر قدر قانون وضع میشود بیشتر تماس این اوراق هویت با کارهای عمومی محسوس میشود. انواع و اقسام مواردی دارد ما هیچ موردی را استثناء نکرده ایم محکمه جز این مورد بخصوص که بیشترش هم راجع به تشخیص سن است و آن کار محکمه نیست علاوه بر این هم محاکم کار زیاد دارند. آن را فقط خواستیم بشکل يك هیئت ادارى درش دقت شود و در سایر موارد هم کلیه محکمه رسیدگی میکنند حکم محکمه هم البته جاری است فقط این مورد بخصوص را از نظر عمل و تسهیل جدا کردیم آن را هم ملاحظه میکنید که کمیسیونش دو مرحله ثانی هم که کمیسیون مرکزی است مدعی العموم یا نماینده مدعی العموم هم حاضر میشوند بنا بر این از هر حیث ملاحظه دقت و صحت عمل شده است.

رئیس - آقای طهرانى

طهرانی - عرض کنم که البته قانون سجل احوال و ورقه هویت و اسامی تمام افراد مملکت در دفاتر ثبت

بشود و برای دولت هم آسان بشود خیلی خوب است و هیچکس هم منکر محسنات او نیست ولی این را باید آقای وزیر داخله تصدیق بکنند که با اینکه مملکت ایران مملکت ما تقریباً اکثریتش بی سواد و بی اطلاع است و از محاسن قانون سجل احوال که چه حسن ها دارد اطلاعی ندارند پس با این ترتیب تنظیم مواد بنده مخالف هستم اینجا در يك تبصره قید میشود که اشخاصی که مطابق ماده ۱ و ۲ و ۳ و ۴ به تکلیف خودشان عمل نکرده اند اینها را امنیه سوق میکند و میبرد و آنها را مجبور میکند که به تکلیف خودشان عمل کنند اینجا خوب بود در این لایحه هم آن مواد قانون سجل احوال را قید میکردید که آن تکالیف چیست چون این قانون را باید اعلان بکنند و بعموم طبقات در دهات و قراء و قصبات اعلان بکنند که آقا این تکالیف شما است و باید بروید انجام دهید و اگر انجام ندادید این تکالیف را بعد برای شما مجازاتی در قانون مقرر شده است و اینکه تکلیف کرده اند اینجا که مأمورین امنیه آنها را مجبور میکند و میبرد که ورقه هویت بگیرند این را هم بنده تصور میکنم که خیلی خوب نیست بلکه سوء اثر دارد و آن منظوری که وزارت داخله دارد و دولت دارد آن منظور سوء نتیجه میدهد حسن نتیجه نمیدهد سهل است بلکه سوء نتیجه میدهد این را ممکن است در دهات و قصبات بوسیله کدخدا ها و ریش سفید ها و خود ملاکین چون مردم جاهلند این وظیفه را به آنها محول کنند و اهل قراء و قصبات را جمع آوری کنند و آنهائی که ورقه هویت نگرفته اند و آنهائی که باین تکالیف عمل نکرده اند بروند ورقه بگیرند نه این که امنیه برود گریبان کسی را بگیرد که ورقه هویت به آنها بدهد و اگر امنیه برود پشت گردنش بزند این تصور میکنم کار خوبی نیست اگر قانون این طور اصلاح بشود که در يك تبصره این قید بشود که به کدخدا و اهل محل و ملاکین این کار را رجوع کنند بهتر است بنده از یکی از آقایان نمایندگان شنیدم که خودشان تقاضا کرده بودند که يك مأمور سجل احوال

برای آنجا تعیین کنند که ایشان با خودشان در محل بروند یا بخواتین آن جا رجوع کنند که رعایا را جمع کنند و بیابند ورقه بگیرند و راحت بشوند و بروند و اداره سجل احوال گویا از ایشان قبول نکرده با طفره زده و گفته است نه. غرض این است که باید طوری کرد که گریبان مردم دست مأمورین دولت نیفتد و مردم با مأمورین دولت دست بگیربان نشوند و یک طوری شود که این ورقه هویتی که مردم میگیرند با یک راحتی و سا یک وضع خوش که محاسن آنرا هم بفهمند اخذ ورقه هویت بکنند این یکی. دیگر اینکه در ماده ۹ بنده تصور میکنم که این یک قاعده است که بالاخره باید حل و تصفیه بشود و تمام شود یک شخصی رفته است ورقه هویت گرفته است حالا از سرنو اداره نظام وظیفه با اداره سجل احوال اعتراض بکند که آقا پسر تو آنروزی که ما اعلان کرده ایم سنش پانزده سال بود یا این که خیر سنش یازده سال است گریبان او را بگیرند و یک جار و جنجالی راه بیندازند که سنت را کم کردی زیاد کردی مشمولی مشمول نیستی دوباره از سرنو دوسیه تشکیل دادن مردم را بزحمت انداختن مأمورین دولت را بزحمت انداختن این را هم بنده تصور میکنم صورت خوبی نداشته باشد (بعضی از نمایندگان صحیح است) بنده تصور میکنم که کار را تا همین جا اساساً باید خاتمه داد شما آآن مردم را مجبور میکنید یعنی مجبور هستند که بروند و ورقه هویت بگیرند و آنها هم می آیند و میگیرند در قراء و قصبات و شهرها حتی در طهران هم میشود اینکار را کرد که برایش سفیدها بزرگتر های محل اطلاع بدهند که به اهل محل بگویند که کسانی که ورقه هویت نگرفته اند آنها را بگویند که بیابند ورقه هویت بگیرند در طهران هم گمان نمیکنم اشخاص زیادی باشند که ورقه نگرفته اند فقط شاید یک مشت هرزه و ولگرد با اینکه اشخاصی که خیلی جاهل بقانون هستند ممکن است که همان پیر مردها و بزرگترها یا همان کیسرها هستند که خیلی خوش اخلاق هستند و باوضاع محل خوب آشنا هستند آن اشخاص را بخواهند و نصیحت

بدهند که بروند ورقه هویت بگیرند آن اشخاصی که کتر اطلاع دارند بآنها اطلاع بدهند که اگر نگیرید مجرم میشوید مقصر میشوید یک عده ولگرد ها را هم دولت مجبور کند و ورقه بدهد به آنها شاید بعضیها شان هم مشمول نظامند و از اینجهت نمیگیرند آنها را هم ببرند به نظام وظیفه ولی این ماده ۹ با این ترتیب که بعد از این برای اداره سجل احوال یا نظام وظیفه حقی باشد که اعتراض بکنند که شما مشمول نظام وظیفه هستی این را بنده تصور میکنم که یک چیزی است که یک دوسیه هائی تشکیل میدهد که تا سالهای سال این جنک و دعوا خانه داده نمیشود این را از حالا خاتمه بدهید تمام کنید که برود پی کارش سایرین هم که ورقه هویت میگیرند هرکس مشمول است برود و هرکس که نیست خوب ورقه هویتش را گرفته است در سابق هم اشخاصی که ورقه گرفته اند حالا آقای وزیر داخله اگر یک مأمور دولت رشوه گرفته است یا یک حرکت بدی کرده است او مقصر است بنده رفته ام برای بچه ام ورقه هویت گرفته ام من چه گناهی کرده ام مأمور تان را ببرید حبس کنید اعدامش کنید مجازاتش کنید ولی بنده رفته ام با یک دلالی آن جا ثابت کرده ام که بچه من بیست و پنجسال دارد اگر ورقه هم بحق داده شده باشد شما امروز می آئید اعتراض میکنید که خیر آقا اولاد شما نوزده سالش بوده است آنوقت شما یک مأمور داشته اید قضاوت کرده است رسیدگی کرده است یک ورقه بمن داده است و من هم رفته ام پی کارم یا در اداره نظام وظیفه رفته اند ثابت کرده اند استشهاد برده اند که من یک آدم معمولی هستم و مطابق قانون معاف هستم و مطابق قانون نظام وظیفه شما هم مرا معاف کرده اید و رفته ام پی کارم حالا از نو گریبان مرا میگیرید که تو معاف نیستی تو معیل نیستی و گمان میکنم که بحمد الله والمنة برای نظام وظیفه آنقدری که لازم است سرباز میگیرند و مملکت هم دارای سرباز است حالا ده نفر بیست نفر را بنده عرض نمیکنم که فرار کرده اند و رفته اند

تقلب کرده اند ولی حالا از تو ما یک بساطی درست کنیم این اسباب زحمت و کشمکش میشود و این را بنده تصور میکنم که اصولاً خوب نباشد (صحیح است) و این را بنده تصور میکنم که این طور اصلاح بشود خیلی خوب است.

وزیر داخله (آقای منصور) - تصور میکنم این جا با بیاناتی که آقا فرمودند لازم است که یک قدری مطلب توضیح شود البته این را عرض میکنم همه آقایان و امیدوارم که تصدیق بفرمایند که نظر در اصلاحاتی که برای قوانین پیشنهاد میشود البته حسن اجرای قوانین است و احتراز کردن از یاره مشکلات که در ضمن عمل پیش می آید و در ضمن عمل برخورد میشود و احساس میشود که لازم است قانون اصلاح شود و الا هیچ دلیل ندارد که قانون تغییر داده شود این که این چند ماده قانون سجل احوال را ما تقاضای اصلاحش را کردیم برای همین است که ملاحظه میفرمایند. قانون سجل احوال از قوانین جدید است چند سال است بگریبان افتاده البته در آن وقت که شروع شد درست شاید چون سابقه نداشت پیش بینی نمی شد تماس این قانون با زندگانی عمومی مردم و همینطور قوانین دیگری که بعد وضع شد این اواخر حالا قانونی که بالملازمه با قانون سجل احوال جریان پیدا کند وجود نداشت این است که حالا ما برمیخوریم باینکه بامور ارثی تماس پیدا میکند ورقه هویت همچنین بامور سربازگیری که البته صریحاً اظهار میکنم که فوق العاده اهمیت دارد و مسئله حیاتی مملکت است و ما باید دقت کنیم که خوب و کامل اجرا بشود و البته سرباز لازم داریم و باید زیاد دقت بشود سابقاً این قوانین وجود نداشت حالا ما در جریان عمل برمیخوریم و باید قانون سجل احوال را که پیش از اینها بوده است تطبیق بکنیم بطوری که با این قوانین در یک مجرای معینی سیر بکند حالا ملاحظه بفرمایید نظر این است. نظر این نیست که یک کسی که فرض بفرمایید مشمول فلان ماده از این قانون نیست حکماً برویم و بیاوریم البته این منظور را نداریم

و تصدیق هم میفرمایید که هیچ وقت نبوده است همچو نظری و بواسطه نبودن تجربه و نبودن سوابق این را هم باید تصدیق کرد که اوراق هویتی که در اوایل امر در سنوات اولیه چه مردم آمده اند بگیرند و چه مأمورین دولت داده اند ممکن است که درش آن دقتهائی که امروز ما ضررش را حس میکنیم تصور نمیکردند ملاحظه بفرمایید مثلاً چه جور بوده؟ اوایل امر یک پدر خانواده معمول بوده است می آمده است برای تمام اعضاء خانواده اش اظهار نامه میداده است پسری هم داشته است بسن بیست و پنجسال خوب پدرش بوده است و آن پسر در آن خانه بوده است یکی از اعضاء خانواده اش بوده است و حال آنکه صغیر هم نبوده است برای کبیرها هم اظهار نامه میداده است بنده نمیگویم که مقصودی داشته است برای این بوده است که اهمیت نمیداده است مسؤلیت را تصور نمیکرده است که تمامش با سایر قوانین چه جور میشود و آمده است چهل ساله راسی ساله گفته سی ساله را پانزده سال گفته حالا ما بر میخوریم بآن اوراق و لازم داریم که آنها را اصلاح کنیم در صورتیکه موقع اصلاح گذشته است و مرجعی برای آن نداریم و به چشم خودمان می بینیم که یک ورقه غلط داده شده ولی راه اصلاحش را نداریم ما میگردیم راه پیدا کنیم که مطابق موازین قانونی یک همچو ورقه را اصلاح کنیم و منظم شود نه این که بنده به بینم یک حکمی بکنم که این ورقه اش باید این طور باشد چهل سال ندارد سی سال دارد خیر این صحیح نیست ولی اگر قانونی پیشنهاد کنیم که مطابق قانون این کسی که سن او چهل سال نیست و سی سال است او در کمیسیون تشخیص شود و این که فرمودند مأمورین دولت شاید یک مأمور دولتی هم غفلت کرده باشد ولی تنها آن نیست مردم هم آشنا نبوده اند مردم هم این را درست تشخیص نمیدادند و شاید بعضی مأمورین دولت هم همینطور چندان اهمیتی نمیدادند که سن چه باشد و میخواستند که زود بزود اوراق را صادر کنند

ولی حالا که این قوانین در جریان است و با امور حقوقی و امور اداری مردم تماس دارد این طور نمیشود گذاشت که يك روزی آمدند ورقه دادند حالا چه کار دارید خوب ما بر میخوریم به این که بعضی اوراق قابل اصلاح است باید راهی برای اصلاح آن داشته باشیم و این نکته را هم باید عرض کنم که بواسطه پیش آمد این معایب در عمل متوجه شده اند و معایب حالا خیلی کم است و این برای گذشته ها است که ما در ضمن عمل بر میخوریم بهش و میخواهیم اصلاح کنیم و البته همینطور که فرمودید مردم بعضی ها نمیدانند و بایستی حالا حالیشان کرد بنده عرض میکنم که چندین سال است که این اعلانات شده است و در قانون سابق هم مجازات معین شده است ولی درست بواسطه بی اطلاعی بر نخورده اند که باید به این تکالیف قانونی عمل کرد و ترمش البته مستلزم مجازات است و این را هم عرض میکنم که از طرف دولت فوق العاده ارفاق شده است این که میفرمایند میروند و میکشند و می آورندشان این طور نبوده است حالا ما میخواهیم بآنها تذکر بدهیم و البته یک قدری مجازات را هم شدید کردیم مجازات سابق مجازات خلافی بود حالا جنحه است يك قدری زیادتر است لازم هم هست زیادتر باشد آقا باید بالاخره مردم باین تکلیف عمل کنند و باید مردم بیایند ورقه هويت بگیرند ورقه هويت لازم است. آقا امروز در هر قانونی که ملاحظه می فرمائید در قسمت اجرائی اول چیزی که لازم است ورقه هويت است که نماینده و مشخص مردم است ما نمیتوانیم بگذاریم چند سالی هم باز بگذرد که مردم خودشان بیایند و بگیرند باید يك تذکری داد يك قدری اعمال دقت در این باب لازم است بشود و البته باید مجازات هم شدید تر باشد و مسلم است وقتی که قانونی وضع شد آن قانون از مجاری اداری خودش اعلان و طبع می شود همین طوری که فرمودید در هر دهی بالاخره مامور سجا احوال می رود آن جا نه اینکه بروند و مردم را بیاورند. اینکه نوشته شده است مردم را می آورند و جلب می شوند

این راجع به متخلفین است و متخلف راهم نمی شود جلب نکرد البته اگر در شهر باشد که نظیه و اگر در خارج است که امنیه می رود جلب می کند آنها تکلیف قانونیشان است ندانند که بپنود جلب کنند بنا بر این اینکه فرمودید جلب می کنند این مال متخلفین است مال آنهاست که محکوم شده اند در محکمه و مستوجب جلب هستند و این مجازاتها باید در حق آنها اعمال شود ولی بسا برین وقتی که می خواهند ورقه هويت بدهند ترتیب این است که مأمور سجا احوال می رود به ده و بکد خدا و مباشر که مسئول امور آنجا است اطلاع میدهند که مردم باید بیایند و ورقه بگیرند یا هر کس که ورقه نگرفته است یا آلهائی که سواد ندارند بالمشافه گفته می شود. این قسمت ها کاملاً رعایت می شود مدار عمل این است که عرض کردم و البته در موقع ابلاغ این قانون هم مخصوصاً دقت می کنیم. این است که ملاحظه می فرمائید تمام نظر حل و تصفی و تسهیل امر است برای اینکه تکلیف همه معلوم شود و این اشکالات هم رفع بشود و البته دولت هم باید قوانینش را بخوبی و سهولت اجرا کند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

شریعت زاده - بنده مخالفم.

رئیس - فرمائید

شریعت زاده - اگر اجازه بفرمایند آقایان که نظریات گفته شود بهتر است. خود بنده هم يك نظریاتی دارم اگر اجازه می فرمائید آقایان عرض کنم (عده از نمایندگان - فرمائید آقا. فرمائید) چون در مباحثه يك قانونی اگر نظریات بیشتری اظهار شود البته بهتر است مانعی هم ندارد خود وزیر هم حاضر است برای استماع مطالب.

رئیس - مذاکره بشود؟

جمعی از نمایندگان - بلی مذاکره بشود.

شریعت زاده - نوبه بنده است؟

رئیس - نوبه آقا نیست (خطاب با آقای شریعت زاده) آقای مؤید احمدی فرمائید.

است و اینطور يك محکمه اداری تشکیل دادن این مخالف يك اصل کلی و اساسی است. يك محکمه مقابل عدلیه باز کردن و حکم محکمه عدلیه را نوشتن که اثر ندارد از جهت اصولی بنده با این لایحه مخالفم (عده از نمایندگان - صحیح است. احسنت)

مخبر کمیسیون داخله (محیط لاریجانی) - فرمایش آقای نماینده محترم در موضوع این که محول می شوند محاکمات باین محکمه و بعد در مورد نظام وظیفه مؤثر نیست البته تصور فرموده اند که وقتی محاکمه بین دوتا متداعین حاصل می شود (نمایندگان - بلندتر) این حکم نسبت بخود آنها مؤثر است معنی این حکم نسبت بمتداعین و اصحاب دعوی اثر قانونی دارد ولی نسبت بغیر اثر قانونی ندارد (یکی از نمایندگان - یعنی چه؟) این جا هم همینطور نوشته شده است: دوقر متداعین میروند بمحکمه و دعوائی دارند حکم شان هم از محکمه صادر می شود این حکم محکمه در مورد متداعین مؤثر است در مورد غیر متداعین که مؤثر نیست ... (کازرونی خوب باشد) (خنده نمایندگان - همه همه) صدای زنگ.

مخبر - اصحاب دعوی که

کازرونی - آخر یعنی چه؟ (صدای زنگ رئیس)

مخبر - اجازه بدهید عرایض را بکنم اینجا مینویسد حکم را که داد مؤثر است ولی در امور نظام وظیفه اثر ندارد (صدای زنگ - رئیس - خطاب به آقای محمد خان وکیل) آقا بیرون نروید برای مذاکره هم اکثریت کافی نمیشود) در تبصره است مینویسد: حکمی که در باب اصلاح ورقه سجا احوال صادر میگردد از حیث مقررات راجع بنظام وظیفه مؤثر نخواهد بود. پس ملاحظه بفرمائید اشکالی ندارد. مثلاً بین دو نفر راجع بوراوت گفتگو میشود و نزاع میشود می رود بمحکمه. در ضمن محاکمه نسبت بسن او بحث میشود و تغییری میکند یا کسر میشود یا علاوه میشود بیست و یکسال میشود بیست و سه سال میشود این نسبت بوراوت خودش است ولی در مورد نظام وظیفه که نه از طرف اداره نظام وظیفه باو اعتراض شده است

مؤید احمدی - بنده از این نظریه که آقای وزیر داخله فرمودند باید اهالی مملکت همه دارای ورقه هويت بشوند با لایحه موافقم و عقیده ام این است که بالاخره يك روزی همه باید دارای ورقه هويت بشوند و البته طرز و شکل عمل راهم البته خود ایشان در نظامنامه خواهند نوشت که در دهات و جاهائی که مردم اطلاع کامل ندارند مثلاً جاز بزیند تا يك ترتیبات آسانی مردم اطلاع پیدا کنند و مردم بیایند ورقه بگیرند. لکن مخالفت بنده از يك نقطه نظر اصولی است و آن راجع بحکم عدلیه است بعثت اینکه این قانون در تبصره دو یا در یکی از تبصره هایش حکم عدلیه را بدون اثر می گذارد و در ماده نهم هم يك محکمه مخصوصی قائل شده است بنده عرض میکنم که قانون اساسی مملکت قوای مملکتی را سه قوه تقسیم کرده است: قوه مقننه - قوه مجریه - قوه قضائیه يك کارهائی که از وظایف قوه قضائیه است ما نمی توانیم آنها را برداریم و بدهیم يك اداره یا بگوئیم حکم عدلیه در این مورد مؤثر نیست این از این جهت مخالف است با اصول. آنوقت محکمه راهم که تشکیل داده ایم خیلی دیدنی است!! بعثت اینکه این جا اداره در حکم مدعی می شود وقتی که اعتراض کرد يك ورقه که خودش صادر کرده یا اداره یش صادر کرده اعتراض میکند که این ورقه صحیحاً صادر نشده می رود به چه محکمه؟ محکمه که تشکیل می شوند از (کازرونی - همان مدعی) حاکم یا نماینده او و نماینده اداره نظام وظیفه و نماینده احصائیه و سجا احوال و يك قرطیب با انتخاب اداره نظام وظیفه و يك قسر (خنده نمایندگان) معتمد محلی با تصویب مأمورین مزبور پس می شود قاضی مدعی یا مدعی می شود قاضی و این برخلاف اصول است باز اگر بود سه نفر از معتمدین محلی که مردم انتخاب می کردند با اینکه مخالف آن اصل کلی بود که باید برود بدلیه این يك چیزی بود پس آقا دیگر قضاوتی لازم نیست بعقیده بنده روی این ترتیبی که ماده را نوشته اند پهر کس که اعتراض دارند ورقه اش را همانطوری که می خواهند درست کنند قضاوتی لازم ندارد. قضاوتی که این محکمه بکند قضاوت خود مدعی

و نه اینکه مربوط باینکار است که اثر ندارد آن يك قانون دیگری دارد و مشمول مواد دیگری است که راجع بنظام وظیفه عمومی است ولی این مربوط بوراثة است و حکم محکمه در این مورد مؤثر است و در مورد نظام وظیفه نباید مؤثر باشد (خنده نمایندگان - احسنت) و از حیث آن قانون مشمول نظام وظیفه باید بشود ولی این حکم راجع بارث است (کازرونی - یعنی این آدم خارج از این مملکت است؟) خیر داخل این مملکت است ولی این راجع بارثی است که نزاع داشته است و آمده است بمحکمه و اینکه راجع بماده نهم فرمودید که مدعی و حاکم هر دو خودش است ممکن است که این حکم و این رأی البته بلااثر بشود اینجا مسئله حکومت نبوده است آقا مسئله کمیسیون است يك کمیسیونی در محل تشکیل میشود برای گرفتن نظام وظیفه این کمیسیون البته از معتمدین محل است از اطباء است از مأمورین نظام وظیفه است اینها باشخاصی که مشمول هستند و باور اقا نشان رسیدگی میکنند اگر آن ورقه مورد اختلاف واقع شد آن هیئت را گفتند دیگر صالح نباشد برای رسیدگی این بارفاق مردم است بیاید بمرکز و البته اشخاصی از آنها صالحتر رسیدگی کنند آن قسمت را و حل کنند

کازرونی - مرکز نمیتواند بفهمد آقا راجع بسن. او (صدای زنک رئیس)

رئیس - آقای کازرونی این طرز محاور نیست

رئیس - آقای وثوق

اقا سید مرتضی وثوق - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای اعتبار

سید احمد خان اعتبار - البته همانطور که آقای وزیر داخله فرمودند این لایحه شور اولش است و پس از اینکه نظریات نمایندگان محترم هم بدست آمد در کمیسیون میشود درست کرد بيك ترتیبی که هم بمنظور دولت نزدیک باشد و هم زحمت مردم کمتر باشد. این جا همانطوریکه آقای مؤید احمدی فرمودند يك اصولی را هم نباید از نظر

کار يك جا باشد نه اینکه در يك جا با اثر باشد و در يك جا نباشد بعلاوه در يك قسمت دیگری هم که بنده نگاه می کردم در ماده ۹ دیدم که نوشته است اورا قی که تا اول مهرماه ۱۳۱۰ در محاکم عدلیه و کمیسیونهای تجدید نظر برطبق مقررات قانون سابق نسبت بآنها رسیدگی بعمل آمده و تکلیف قطعی آن معین شده مشمول مقررات فوق نخواهد بود معنی این این است که تا اول مهرماه هر حکمی از محکمه نسبت باوراق سجل احوال شده صحیح است ولی هر چه از آن بیعدش و تابحال تصحیح شده غلط است اگر اینطور است که اینهم بداست البته این قانون در آن تاریخی که داده شده شاید تصور میرفت تا اول مهرماه تمام میشود و این قانون بعمل و اجرا میرسد این است که این تاریخ را معین کرده اند ولی حالاً تقریباً در نیمه آبان واقع شده ایم و اینرا نمیشود گفت از ۴۵ روز قبل اگر هم يك حکمی صادر شده و تمام مراحل خودش را طی کرده باشد باز آن حکم را مانقض کنیم بموجب يك قانون دیگری و بگوئیم که آن حکم اثر ندارد اینهم بنظر بنده خوب نیست (صحیح است) و لازم است اینطور اصلاح شود که اورا قی که تابحال صادر شده است و مراحل قانونیش را طی کرده است تا تاریخ تصویب این قانون از محاکم صادره شده است آنها را باید پذیرفت و قبول کرد و محترم شمرد و بعد از این را باید صلاحیت را ممکن است اصلاً از نشان گرفت که محاکم دیگر قبول نکنند ولی وقتیکه قبول کردند دیگر حکمشان را متزلزل کرد و نسبت باحکام محکمه مردد شدن و يك قسمت را قبول کردن و يك قسمت را قبول نکردن خوب نیست و این از نقطه نظر سیاست مملکت خیلی مهم است (صحیح است) و لازم است در این خصوص يك دقت بیشتری بشود.

وزیر داخله - يك قدری بطور کلی صحبت شد راجع

بمحاکم و بنده میخواهم عرض کنم یعنی نمیشود گفت

که بیشتر توجه بفرمائید باین موارد بخصوص و مراجعه

باین لایحه تا خوب واضح شود بهیچ وجه من الوجوه نظر باین نیست که بگوئیم احکامیکه محکمه میدهد يك قسمت را اجرا کنید و يك قسمت را نکنید و هیچ این منظور نیست که بگوئیم احکام محاکم اجرا نشود بلکه همانطوریکه توضیح داده شده است در تبصره احکام قطعی که از محاکم صادر شده است باید اجرا شود و مشمول این مواد نیست منتهی در آن موقعی که لایحه پیشنهاد شده است متناسب این بوده است که تا اول مهر ماه بنویسیم حالا يك قدری گذشته است این را بعد درست میکنیم. اما راجع باین کمیسیون که فرمودید و این را هم عرض میکنم که اساساً نظری اتخاذ شده است که این نوع کار یعنی نه بطور کلی گفتگوی اورا قی هويت در محاکم نباید بشود برای اینکه همینطور که عرض کردم راجع باوراق هويت در جریان امور عمومی موارد خیلی زیاد پیدا میکند که مردم همینکه مراجعه میکنند و هیچ چیز هم مانع آنها نیست فقط در يك مورد خاصی که بیشتر مراجعه اداری دارد آن را ما خواستیم با این قانونی که آقایان تصویب می فرمایند آن را از محکمه خارج کنیم و این موضوع راجع بمقررات و شرایط نظام وظیفه است که خلاصه اش تشخیص سن است و آنهم از این بیعد بکمیسیون خاص مراجعه میشود و وقتی که قانونی شد چه اشکالی دارد که تمام مقررات حقوقی و جزائی البته بموجب يك قوانینی ارجاع میشود بيك مراجعی و بموجب همان قانون ممکن است که يك مواردی هم ارجاع نشود چنانکه يك مراجع عالیجده هم از حیث اداری و مالیه و اینها هست که رسیدگی میکنند بکارها آنها بموجب قانون است پس نمیشود گفت که چرا این هم به عدلیه رفت برای این که این سلب میکند استقلال امور قضائی را خیر هر چه بموجب قانون بشود آن صحیح است این البته بسته برای مجلس است وقتی که رأی دادندو قانون شد اجرای آنها قانونی است قانون معین میکند و معلوم میکند. راجع بکمیسیون هم آن هیئتی که مأمور است که باین موارد رسیدگی کند این را نباید تصور بشود که تمام قضایائی که مطرح میشود

بر علیه اشخاص است خیر غالباً اتفاق می افتد که بر له آنها هم هست مواردی هم داریم که قوانین گذشته و ادارات مربوطه دولتی تصدیق میکنند که این باید اصلاح شود و به نفع دارنده ورقه هويت است ولی موقع گذشته مرجع ندارد و این کمیسیون که تشکیل میشود اصلاح میکند و البته نظر دولت هم این نیست که يك اوراقی را بیدجهت بیاورد آنجا تحت رسیدگی قرار دهد و اینطور هم نباید تصور کرد که تمام اوراقی را که تا بحال داده شده می آید تحت نظر آن کمیسیون خیر اوراقی که در ضمن عمل مبتلا به است و در عمل بر میخورند بهش و قابل نظر باشد آنها را می آورند آنها هم ممکن است که بر له دارنده آن ورقه هويت باشد یا بر علیه هم مخصوصاً با این دقتی که شده است يك کمیسیون نیست در دو مرحله است در کمیسیون مرکزی هم مدعی العموم خواهد بود البته همه جنبه ها درش رعایت شده است و دقت کامل بعمل آمده و امیدوارم که آقایان مطمئن باشند و خاطرشان کاملاً اطمینان داشته باشد که نظر نظر تسویه يك مشکلاتی است و بالاخره اینطور هم تعبیر نشود که بر علیه همه دارندگان ورقه هويت است بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بالاخره علت مخالفت بنده با کفایت مذاکرات این است که اینطور می بینم که در یک قسمت از مذاکرات ممکن است موافقت حاصل شود ولی يك چیزهایی هم هست که اساساً مورد بحث واقع نشده و تذکرش هم نهایت ضرورت را دارد اگر آقایان اجازه بدهند بنده خیلی مختصر عرضم را عرض کنم (نمایندگان - فرمائید آقا) عرض می شود هر چیزی از نقطه نظر اصول ممکن است که در يك مملکتی تأسیس يك محکمه اختصاصی را ایجاد کند عیبی هم ندارد و اگر يك محکمه اختصاصی تشکیل شود منافعی با قانون اساسی هم نیست برای اینکه در قانون اساسی تصریح شده است که بدون تصویب مجلس هیچ محکمه را نمی شود ایجاد و تشکیل داد بنا بر این معلوم می شود که اگر مجلس لازم بداند

استعمال بکند يك قانونی را میخواهد قاضی باشد میخواهد هر کس باشد برخلاف قانون رأی بدهد و دسائس و اغراض اشخاصی را مؤثر بداند آن مقصودترین اشخاص است. (صحیح است) اگر نظر این است که در مؤسسات قضائی بطوریکه لازم است این مقصود ملی تأمین نمی شود!! برای بنده خیلی مشکل است. که این مطلب را باور کنم و بر فرض هم که يك موردی پیدا شود که يك قضائی يك مؤسساتی پیدا شوند آنها نه فقط از نقطه نظر قوانین انتظامی باید محاکمه شوند بلکه خائن در وظائف ملی هستند (صحیح است) بنا بر این بنده معتقدم برای اینکه ثابت شود اراده های مادی مؤثر که مبنی بر صلاحیت است و بقید تعظیم تلقی می شود همین محاکم در يك حدودی وظایف خودشان را بخوبی انجام میدهند و عملاً ثابت میکنند که در ایران امنیت قضائی بتمام معنی جاری است. و اگر يك دولتی در این فکر نرود بکند و بیاید در این جا در این مسئله نرود بکند من از آن فکر دفاع میکنم برای اینکه دولت ایران الآن چند سال است که زحمت کشیده است و ثابت کرده است که مؤسسات مؤثری مؤسساتی که تمام منافع قانونی را تأمین کند وجود دارد در مملکت. مطلب دیگری است که لازم بود برای بنده عرض کنم جمله ایست که در نطق یکی از همکاران محترم که آقای طهرانی بود فرمودند این مسائلی که جریان دارد برای این است که اولیای اشخاص يك وسائلی مثلاً رشوه دادند يك مأمورینی این مسئولیت با مأمورین است و نباید گذاشت بر آن جریانها اعتراضی شود و جنگ و دعوائی بشود بنده باین طرز فکر مخالفم بنده معتقد هستم که مرجع این کار هر جا باشد اداره نظام وظیفه که مجری اراده ملت راجع بمسئله نظام وظیفه و سرباز گیری است ذینفع است و بر هر حکم و قراری می تواند اعتراض کند ولی اشکال در این است که کجا اعتراض کنند و کجا می تواند اعتراض کند و همچنین هر ورقه هویی که در نتیجه اعمال دسیسه برای اینکه تحصیل معافی در مقابل این وظیفه ملی و مملکتی شده باشد

صادر شده باشد باطل است و باید محاکم بمحض اینکه استحضار و اطلاع از این مسئله پیدا کردند حکم بطلانش بدهند اما کی بدهد. خود محکمه بدهد. بنده قول میدهم آقای وزیر داخله که راجع به این مسئله با حسن عقیده و در نتیجه مطالعات خودم و تجربیات خودم این مطالب را اصولی یافتم و عرض کردم و هیچ وقت هم در مسائل مملکتی مصر نیستم که عقیده بنده پیش برود ولی اگر يك دلالتی دارند که در این جا سلب تفکیر مرجع قضائی که راجع باین قضیه لازم می آید بفرمایند بنده گمان میکنم آقایان هم موافقت بفرمایند و هیچ مخالفتی هم نخواهند داشت.

وزیر داخله - همانقدری که آقای شریعت زاده تعظیم فرمودند براجع قضائی بنده هم همان اندازه بلکه بیشتر تعظیم میکنم و دولت هم عیناً همین فکر و نظر را دارد چنانکه آقایان ملاحظه بفرمایند که همیشه قانون پشت قانون پیشنهاد میشود و همه آنها برای تکمیل مؤسسات قضائی و پیشرفت امور قضائی و توسعه و تنظیم محاکم است و البته در نتیجه مرجعیت قضائی روز به روز کامل میشود اما همان دولت معتقد است که یکدفع از کارهایی که زیاد جنبه قضائی ندارد بلکه جنبه اداری آنها غلبه دارد دیگر آنها را باین محاکم تحمیل نکند که باین کثرت کارها از کار بماند چنانکه این را البته باید اعتراف کنیم که هنوز مؤسسات قضائی همین محاکم و شعب آن در مملکت بقدر کفایت نیست و سعی میکنیم که روز بروز البته با تمام وسایل ممکنه توسعه بدهیم که متناسب با احتیاجات باشد ولی یکمدتی وقت لازم است البته قوانین هم که وضع میشود بر طبق مقتضیات وقت است چنانچه آقایان همیشه متوجه هستند و قبول زحمت بفرمایند و لوایح اصلاح قوانین را ملاحظه بفرمایند اینها برای این است که مقتضیات ایجاد میکنند و حالا هم ممکن است همانطور که آقای شریعت زاده فرمودند همانطور بشود و باز اصلاح شود ولی امروز که بنده عرض میکنم و این لایحه را که دولت آورده است همان دولتی است که این عدلیه را تشکیل داده است و اینطور تقویت میکند

از محاکم قضائی بنا بر این به چوجه من الوجوه باستقلال قضائی و بمرجعیت قضائی بر نمیخورد و بلکه اسباب تسهیل کار محاکم است که مایک قسمی از کارها را که زیاد جنبه قضائی ندارد و آن را میتوانیم بامسئولیت دولت و بایک وجهه اداری حل کنیم آنها را یک قدری از محاکم جدا کنیم و این قسمت همین یک موردی است که ما پیشنهاد کرده ایم ملاحظه میفرمائید غالباً اوقات محاکم چقدر مستغرق است که اوقات را باید دیر معین کنند البته چاره ندارند باید بنوبت باشد و اگر بخواهند همه کارها را فوریت بدهند البته این منطقی نیست که بهمه کارها یکدفعه برسند برای اینکه کارها زیاد است آنوقت کارهایی که در این قسمت ملحوظ است بتعویق می افتد و این بیشتر اسباب بلا تکلیفی مردم است و با این مختصر توضیحی که بنده عرض کردم امیدوارم موافقت بفرمایند و اطمینان داشته باشند که کاملاً باستقلال قضائی و مرجعیت کامل محاکم قضائی ما موافق هستیم و دولت است که البته تقویت میکند این تأسیسات را و با این حال چون امروز حس میکنم که یک احتیاجی هست که امروز این رشته کار این جور حل و فصل شود و از نقطه نظر تسهیل و تسریع خواسته ایم کار محاکم کم بشود و این هم راجع بشمام موارد مربوطه باوراق هویت نیست راجع

بیک مورد خاصی است و آن هم جنبه اداری درش بیشتر غلبه دارد تا جنبه قضائی.
 بعضی از نمایندگان - کافی است
 رئیس - پیشنهادی از آقای دهستانی رسیده است قرائت میشود:
 مقام ریاست معظم مجلس دامت عظمة
 تبصره ذیل را بماده ۷ اضافه میکنم:
 تبصره - مأمورین سجل احوال مکلف خواهند بود مدتی که کمتر از دو روز نباشد در هر قریه و قصبه توقف کرده و اهالی را بدریافت ورقه هویت دعوت نموده و ضمناً بوسائل ممکنه مجازات متخلفین را بعموم اهالی خاطر نشان نماید.
 رئیس - رأی میگیریم برای ورود در شور ثانی آقایانی که موافقت دارند قیام فرمایند
 (اغلب قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد. پیشنهاد شده است است جلسه ختم شود
 [۴ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]
 (در این موقع چند نفر از نمایندگان خارج میشدند)
 رئیس - جلسه آینده (اگر آقایان تأمل کنند) مناسب است روز پنجشنبه ۲۷ آبان ماه سه ساعت قبل از ظهر باشد دستور هم لوایح موجوده
 (مجلس نیمساعت بعد از ظهر ختم شد)
 رئیس مجلس شورای ملی - دادگر